

در مقولهٔ مطبوعات کودک و نوجوان، موارد اختلاف نظر و بحث برانگیز متعدد است؛ مباحثی چون: ضرورت وجود نشریه برای کودکان و نوجوانان، ضرورت مشارکت کودکان و نوجوانان در مسایل اجتماعی و ورود ایشان در چرخهٔ رسمی زندگی، ضرورت روزآمدی و به روز بودن نشریات برای بچه‌ها و ادبی بودن یا ژورنالیستی بودن این نشریات، این نوشته کوتاه، سعی دارد تنها در آخرین نمونهٔ یاد شده یعنی «اختلاف در مورد نسبت مطبوعات کودک و نوجوان با ادبیات و با روزنامه نگاری»

سیدعلی کاشفی خوانساری متولد ۱۲۵۰ است. پیشینهٔ تحصیلات وی لیسانس مهندسی عمران (دانشگاه آزاد)، مقدمات علوم حوزوی، دورهٔ یک سالهٔ روزنامه نگاری (مرکز آموزشی رسانه‌ها) و دورهٔ دو سالهٔ سینما در جهاد دانشگاهی و در حال حاضر تحصیل در رشتهٔ مترجمی انگلیسی (دانشگاه پیام نور) است. او زمینه‌های گوناگونی را تجربه کرده، اما بیش از هر کاری به روزنامه نگاری دل بسته است. سردبیری، دبیر سرویسی، نگارش مقاله،

نویسندگی در صدا و سیما، داوری در چند جشنوارهٔ مطبوعات، نگارش کتاب «مطبوعات کودک و نوجوان» و تدریس قصه نویسی و روزنامه نگاری به روزنامه نگاران نوجوان، پاره‌ای از فعالیت‌های اوست.



کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام
کتابه ایستادم و نوشتام

نرس و کار و زحمت
در سینه کنور و زحمت
من چه نقشه‌م و چه
تاکید چه بله بله است
نه حکمی صفا، کفایت
یک عارضی بنگار کجاست
در وقت کلانم چه در
نصفه‌ها چشم و دست
از صفا و عشق و نور

تأمل کند. از این رو به دیگر موارد بحث برانگیز وارد نخواهد شد.

در نشریه روزانه جشنواره مطبوعات - کاغذ اخبار - در سال ۱۳۷۳، یادداشتی منتشر شد که در آن حاکمیت ذهنیت ادبی مهم‌ترین مشکل مطبوعات کودک و نوجوان معرفی شده بود. همان نویسنده در سال ۷۴، در ماهنامه «گلابانگ» در مقاله‌ای با عنوان «مطبوعات کودک و نوجوان، روزنامه‌نگاری یا ادبیات؟» اثبات کرده بود که مطبوعات کودک و نوجوان باید صبغه مطبوعاتی و روزنامه‌نگارانه داشته باشند و تصریح کرده بود: «روزنامه‌نگاری کودک و نوجوان با ادبیات برای کودکان و نوجوانان، دو عرصه جدا از هم است و به تبع آن، هدفها، شیوه‌ها و کارکردهای آن هم متفاوت است.»

یکی از سردبیران مطبوعات کودک و نوجوان، طی یادداشتی در نخستین شماره «سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان» به همزیستی مسالمت‌آمیز ادبیات کودک و نوجوان و مطبوعات کودک و نوجوان اشاره

ضمنی به میان کشیده شد. تمام این نوشته‌ها و سخنرانی‌ها به نوعی متضمن این باور بودند که مطبوعات کودک و نوجوان و ادبیات کودک و نوجوان، دو مقوله و دو قالب جداگانه‌اند و نویسندگان و یا سخنرانان، به تناسب گرایشها و مطالعات خود، یکی را بر دیگری برتری داده و یا به محسنات هر یک اشاره کرده بودند.

علت اصلی این تلقی و نگرش را باید در هم‌خانواده دانستن ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات جستجو کرد. بر طبق نگرشی سنتی، ادبیات کودک و نوجوان شاخه‌ای از ادبیات فرض می‌شود که شامل آثار ادبی مناسب برای کودکان و نوجوانان است. زمینه این نگرش، اقتباس و گرده برداری از منابع غربی است. در ترجمه لفظ به لفظ واژه ادبیات کودک و نوجوان، literature معادل واژه ادبیات در زبان فارسی فرض و ترجمه شده است. در صورتی که در زبان انگلیسی این لغت به مفهوم تمام آثار مکتوب در زمینه‌ای خاص اطلاق می‌شود، نه آثاری که در قالبهای ادبی آفریده شده‌اند و

طبق یک نگرش غلط سنتی، ادبیات کودک و نوجوان شنافه‌ای از ادبیات فرض می‌شود در هنر و ادبیات فی‌نفسه و بماهو، معنای مخاطب متصور نیست، اما ادبیات کودک و نوجوان در بدیهی‌ترین، دست نافورده‌ترین و ابتدایی‌ترین صور و مرامل تصور و خلق آن، مضمون دائمی مخاطبی خاص و تعریف شده را با خود دارد.

دارای ارزشها و مشخصه‌های ادبی مثل زیبایی، تخیل، محاکات (میمسیس)، پالایش (کاتارسیس)، ابداع (پوئزیس) و... هستند. «رنه ولک» پژوهشگر فاضل ادبیات می‌گوید: «یکی از ایرادهایی که بر اصطلاح literature گرفته‌اند، دلالت ضمنی آن بر ادبیات مکتوب و چاپی است»^۱ به بیانی دیگر در زبان انگلیسی و به تبع آن در ترجمه‌های

کرده بود تا میان دو طرف دعوا، صلح ایجاد کنند. همین موضوع «مطبوعات کودک و نوجوان، روزنامه‌نگاری یا ادبیات» موضوع یکی از میزگردهای اولین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار گرفت. این بحث در میزگردها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های دیگری نیز به طور

یک و انگوبه، یک کشف، نوعی ارتباط با ناخودآگاه ذهن و یا ارتباطی با هستی (خواه ارتباطی الهی خواه شیطانی). شعری که در حال جذب به ذهن می آید و فراموش می شود، چیزی از شعر بودنش کاسته نمی شود، همین طور هم داستانی نوشته بر ورق پاره‌ای مهجور و یادداشتی متروک. در تعریف هنر، نشر و عرضه عمومی برای مخاطب، مذکور و ضروری نیست، اما ادبیات کودک و نوجوان در بدیهی ترین دست ناخورده ترین و ابتدایی ترین صور و مراحل تصور و خلق آن، حضور دائمی مخاطبی خاص و تعریف شده را با خود دارد.^۲ شعر کودک به یک معنا شعر نیست. تنها نظمی است که با تخیلی محدود، مهار زده شده و به استخدام درآمده به منظور هدف تعلیمی خاصی برای مخاطبانی خاص و تعریف شده «ساخته می شود». البته این «ساخته» به هیچ رو عاری از جنبه‌های ادبی مثل زیبایی، تخیل، ایهام، ابهام، ایماز و... نیست، اما به هر صورت و قطعاً «ادبیات» نیست.

ژان پل سارتر به خوبی بین ادبیات به معنای نویسندگی و هنر و ادبیات خلاق مثل شعر، تمایز قایل می شود و آنگاه خود را نویسنده معرفی می کند و به این بحث می پردازد که نوشتن برای چیست؟ و نوشتن برای چیست؟ (بحث هدفمندی و عقلانیت و بحث مخاطب و هدف قرار گرفتن او): «چه حماقتی بالاتر از آنکه متوقع شاعرانه باشیم؟» و «درست است که نثرنویس می نویسد و شاعر هم می نویسد. اما میان این دو عمل نوشتن وجه مشترکی جز حرکت دست نیست... غرض از نثر ذاتاً سودجویی است. من نثرنویسی را این گونه تعریف می کنم کسی که از کلمات «استفاده» می کند... نویسنده همان گوینده است. یعنی کلمات را برای فایده‌ای که از آنها برمی آید به کار می برد. نشان می دهد. ثابت می کند، فرمان می دهد، متقاعد می کند، افکار خود را به ذهن دیگران رسوخ می کند»^۵ «اگر نثرنویس نخواهد کلمات را بیش از اندازه ناز و نوازش کند رشته سخن می گسند و کار به باوه‌سرای و پریشانگویی می کند و اگر شاعر حکایت کند یا دلیل بیاورد با تعلیم دهد شعر به کار نثر پرداخته و شاعر دست را می بازد.»^۶

«هرپررت رسید» می گویند: «اثر هنری عبارت است از نقشی که متأثر از حساسیت باشد»^۷ و «عمل هنر این نیست که

فارسی، یکی از کاربردهای ادبیات اطلاق آن به منابع مکتوب در زمینه‌ای خاص است. مثل ادبیات توسعه، که شامل تمام مقالات و نوشتار کتابها و نشریات در باب توسعه می شود و یا «ادبیات جنگ»، «ادبیات کارگری»، «ادبیات بازداشتگاهی» (شامل یادداشتهای روزانه و خاطرات زندانیان و اسیران جنگی)، «ادبیات زیست محیطی» و... در تمام این واژه‌ها، به هیچ وجه منظور از ادبیات، نوشته‌های خلاق در قالبهای ادبی شعر و قصه نیست. این مدعا کاملاً در باب ادبیات کودک و نوجوان نیز صدق می کند و می توان گفت، هر نوشته‌ای را که برای کودکان و نوجوانان نوشته شده باشد، می توان در این مقوله طبقه بندی کرد.

دکتر علی اکبر شعاری نژاد به نقل از «فرهنگ آموزش و پرورش» منتشر شده در امریکا، می گوید: «ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی گفته می شود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می شود و در همه آنها، ذوق و سطح رشد و فصح کودکان مورد توجه است»^۲ و این به هیچ وجه محدود به شعر و داستان نیست و با تعریف ادبیات به عنوان «بیان احساسات و عواطف و افکار به وسیله کلمات به شکلی زیبا سازگاری ندارد و شامل تمام خواندنیهای کودکان حتی مقالات ساده علمی، تاریخی، دینی و... هم می شود. به همین دلیل بوده است که در تقسیمات ادبیات در دوران قرون وسطی، دوران باروک و اوایل کلاسیسم (ادبیات = *literature*) ادبیات تعلیمی (*didaetic literature genre*) یکی از شاخه‌های ادبیات شامل حکایت‌های آموزنده، آموزش عقاید دینی، آموزش بهداشت و تمدن و... قلمداد می شده است و حکایت‌های ویژه کودکان در فابل‌ها و تیل‌ها - تقریباً معادل حکایتها و مثل‌ها (*fables, tales*) - نیز در همین شاخه پدید آمده، رشد کرده و طبقه بندی شده است.^۳ در کل، می توان گفت که در هنر و ادبیات فی نفسه و بامحو، معنای مخاطب متصور نیست. هنر بر طبق تمام تعاریف از ارسطو تا به امروز، نوعی محاکات شخصی است؛

۱. نظریه ادبیات ص ۱۲
۲. ادبیات کودک و نوجوان
۳. نگاه کنید به انواع ادبی. دکتر سیروس شمیسا
۴. نگاه کنید به مصاحبه پسرژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان با وحید نیکخواه آزاد
۵. ادبیات چیست؟ ص ۲۸
۶. همان کتاب ص ۲۷
۷. معنی هنر ص ۱۷

احساس را نقل کند به طوری که دیگران نیز همان احساس را تجربه کنند... عمل حقیقی هنر عبارت است از بیان احساس^۱ و به این ترتیب منکر اصل بودن تاثیر، آموزش، ارتباط و هدف در هنر می‌شود. در حالی که در ادبیات کودک و نوجوان هدف، آموزش، برقراری رابطه و کسب نتیجه^{۸۸} مورد نظر، از بدیهی‌ترین پیش‌فرضهای کار است.

تئودور آدورنو هم چون بورکهایمر، مارکوزه، هابرماس، هیدگر و گادامر، منکر اصل ارتباطات در هنر است و آنچه را که با هدف و قصد تاثیرگذاری بر مخاطب عرضه می‌شود، «صنایع فرهنگی» می‌داند نه هنر و فرهنگ. کار هنر و ادبیات «آشنایی‌زدایی» و «شالوده‌شکنی» است و کار صنایع فرهنگی استفاده از مشهودات، انگاره‌ها (بارادایم) و میثاقهای آشنا برای تأثیرگذاری سریع و بی‌چون و چرا. زبان از مراوده و نقش کاربردی - ارتباطی خود در صنایع فرهنگی باید فاصله بگیرد و دور از تعقل و رابطه علیت به هنر تبدیل

مختلفی در اختیار دارد که با استفاده از آنها، از یگانگی معنا در اثر جلوگیری می‌کند. نماد، استعاره، کلمه‌های چندمعنایی... از این گونه امکانات به‌شمار می‌آیند. حتی حرکتهای و آداهای شخصیتها می‌تواند کمک کند که اثر هنری از وحدت معنا و تفسیر عقلانی آن فرار کند و بیشتر و بیشتر رازآمیز شود.^۲ آدورنو مخالف نظام‌وارگی در آثار هنری است و یکپارچگی در اثر هنری را زیر سؤال می‌برد.^۳

مشابه آنچه که سعی داریم درباره افتراق بین ادبیات و ادبیات کودک و نوجوان (خواه به‌شکل کتاب عرضه شده باشد، خواه به شکل نشریات) اثبات کنیم، نادر ابراهیمی درباره تمایز بین تصویرگری و هنر نقاشی بیان کرده است. او تصویرگری را گرچه از جنبه‌های هنری و زیباشناسانه برخوردار است، هنر نمی‌داند. او مصورسازی را نوعی «ابلاغ» می‌داند که سفارش‌دهنده دارد، موضوع وارد شده دارد، تولید است و نه خلق، استقلال ندارد، هدف دارد و در خدمت اهداف است، پس هنر در

اینکه کتابها و مجلات کودکان در معنای اصیل کلمه، هنر و ادبیات نیستند به هیچ روی از ارزش کار و شأن پدیدآورندگان آن نمی‌کاهد. هنرمند اگر منشأ فیری هم باشد، چنین قصدی نداشته است، اما دست‌اندرکاران ادبیات کودکان دانسته و به‌عمد با نیت فیر و با هدف تأثیر مثبت، پا به میدان گذاشته‌اند.

معنای اصیل آن نیست، هرچند که از «ش» هنری-شناخت هنری و مهارتهای معنوی خود، جهت تطبیق دادن هرچه مفیدتر و مؤثرتر مضمون با شکل استفاده کند.^۴ به‌گمانم این شواهد کافی باشد که بپذیریم کتابها و مجلات کودکان در معنای اصیل کلمه، هنر و ادبیات نیستند و این البته به هیچ روی نه از ارزش کار می‌کاهد و نه از شأن

شود. او هرگونه پیام‌رسانی را خارج از چارچوب هنر می‌داند. انگار جنبه ارتباطی هنر در نظریه زیباشناسی آدورنو، جوانب مختلفی دارد. اثر هنری، پیش از همه باید امر ارتباطی را در حوزه زبان زیر سؤال ببرد. از نظر آدورنو، هنر باید سعی کند خود را از دلالت‌های معنایی و کلام نهایی خلاص کند. زبان هنری، امکانات



کریسه باشد... تبلیغات چون ناچار از رعایت مخاطب است لاجرم به خطابه نزدیک می‌شود و بر مشهورات و مقولات اتکاء می‌یابد و از ابهام و ابهام که لازمه جوش هنری است دور می‌شود.^۴

پس ادبیات کودک و نوجوان (شامل مطبوعات کودک و نوجوان) به دلیل هدفمندی، ارتباطی بودن و تبلیغ ارزشهای اخلاقی، تربیتی و آموزشی، در ذات بیشتر هم‌سنگ روزنامه‌نگاری و کار ارتباطی توده‌وار است و حتی در شکل کتاب نیز اثر ادبی اصیل نیست.

علت اینکه ادبیات کودک و نوجوان، «ادبیات» تصور شد و این تصور تا به امروز نیز باقی ماند، شاید حضور چهره‌هایی ادبی مثل ایرج میرزا، میرزاده عشقی، دهخدا و... در این حیطه بود؛ غافل از اینکه یک هنرمند می‌تواند علاوه بر خلق ادبی و حضوری، به‌نگارش نوشته‌های غیرادبی، حصولی و عقلانی نیز بپردازد.

پدیدآورندگان آن. هنرمند اگر منشاء خیری هم باشد، چنین قصدی نداشته است، اما دست‌اندرکاران ادبیات کودکان دانسته و به عمد - اهل هر مکتب و ایدئولوژی که باشند به‌زعم خودشان - با نیت خیر و با هدف تأثیر مثبت، پا به میدان گذاشته‌اند. درباره تفاوت‌های هنر و ادبیات با کار تبلیغاتی - آموزشی - ارتباطی و شأن هر یک، زیباترین سخن را می‌توان از شهید سید مرتضی آوینی شنید:

«هنر جوشی خود به‌خود و یا از سر بی‌خودی و شیدایی است که هرگز از آغاز با قصد تأثیر بر مخاطبان خاص وجود پیدا نمی‌کند. حال آنکه تبلیغات ناگزیر است از رعایت قدر عقل مخاطب و ذوق و فهم او. انبیاء اصافاً مبلغ هستند نه هنرمند. اگرچه نهایتاً اقوال و حتی افعال آنها بر خوردار از کمال و جمال هنری است. مبلغ خود را از آغاز نسبت به هدایت بشر، متعهد و امانتدار می‌داند. اما هنرمند چنین نیست. هنرمند معلم اخلاق نیست. اما مبلغ باید معلم اخلاق

۱. همان کتاب ص ۲۲۱ و ۲۲۲
۲. زیباشناسی آدورنو ص ۱۶
۳. مصورسازی کتاب کودکان ص ۲۴
۴. ماهنامه سوره شماره ۴



بچه‌ها را به خواندن تشویق کنید
تا به دنیای بی‌پایان کتاب
بافتند و در آن دنیای
مغرب‌گردان و پر از
فرصت‌های بی‌شماری
از حصار غم و اندوه
فرار کنند.

پرورش تخیل و عاطفه او و مقاله، محل تقویت استدلال و نگرش منطقی مخاطب است.

ادبیات کودک و نوجوان به دلیل گستردگی و وسعت خود، نیازمند همه‌قالبهای ممکن است و نمی‌توان برای آن «انواع» محدود و مشخصی تعیین کرد. شعر، قصه، قطعه، یادداشت، مقاله‌های علمی، دینی، ادبی، اجتماعی، خبر، مصاحبه، گزارش، نقد، سرمقاله، طنز، سرگرمی، کاریکلتاتور و... همه و همه می‌توانند ظرف و قالب مناسبی باشند برای شکلهای گوناگون و متنوع مظرופی عام به نام ادبیات کودک و نوجوان که بر طبق تعریف، شامل تمام خواندنیهای مناسب کودکان است که توسط پدیدآورندگانی خاص و با توجه به اقتضائات خاص مخاطب تهیه شده است. هر یک از این قالبها در جای خود، بخشی از وظایف ادبیات کودک و نوجوان را به‌دوش خواهند گرفت و قسمتی از نیازهای مخاطب را پاسخ خواهند گفت.

منابع:

۱. ادبیات چیست؟ ژان پل سارتر، ترجمه ابوالحسن نجفی - مصطفی رحیمی، کتاب زمان
۲. تاریخ مطبوعات کودک و نوجوان (جلد اول)، منصور حسین زاده، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۳. بوطیقای نوه، مقاله نظریه زیباییشناسی تئودور آدورنو، شهرام اسلامی و کاظم امیری، نشر آراست
۴. نظریه ادبیات، رنه واک و آستن وارن، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، انتشارات علمی و فرهنگی
۵. معنی هنر، سر هربرت رید، ترجمه نجف دریابندری، انتشارات علمی و فرهنگی
۶. مصورسازی کتاب کودکان، نادر ابراهیمی، انتشارات آگاه
۷. ادبیات کودکان، علی‌اکبر شعاری‌نژاد، انتشارات اطلاعات

همچنین علت اینکه بیشتر قالبهای ادبی در نشریات کودک و نوجوان نمود یافت تا قالبهای رسانه‌ای، شاید این باشد که شکل‌گیری نشریات کودک و نوجوان در ایران، ناشی از توسعه‌ای برون‌زا بود و پیش از اینکه کتاب کودک و نوجوان به شکل جدی در ایران پا بگیرد، مطبوعات کودک و نوجوان متولد شدند و ناگزیر جای خالی کتابها را پر کردند.

این تصوره‌های نادرست، باعث شد که مطبوعات کودک و نوجوان از مهمترین تعریف و ضرورت خود که «ارتباطی بودن» است فاصله بگیرد و دچار رکود و مسخ نسبی شود و از هم گسیختگی اجتماعی که از شاخصه‌های توسعه ناموزون در جهان سوم است، در مطبوعات کودک و نوجوان نیز بروز کند و ارتباط مستقیمی بین روزنامه‌نگاری و مطبوعات کودک و نوجوان به چشم نخورد.

درواقع، دوستانی که بین ادبیات کودک و نوجوان و مطبوعات کودک و نوجوان تمایز، افتراق و حتی تضاد دیده‌اند دچار خلط قالب و

ادبیات کودک و نوجوان به دلیل هدفمندی، ارتباطی بودن و تبلیغ ارزشهای اخلاقی، تربیتی و آموزشی، در ذات بیشتر هم‌سنخ روزنامه‌نگاری و کار ارتباطی توده‌وار است.

معنا شده‌اند. نسبت ادبیات کودک و نوجوان با مطبوعات کودک و نوجوان، نسبت کل به جزء است و دوئیتی در میان نیست. آنچه که محل تفاوت و تمایز است، اقتضائات خاص هر یک از ظروف است که متناسب مظرروف خاصی است. مثلاً کتاب متناسب مطالب ماندگار و مطبوعات ویژه مطالب روز است و یا شعر کودک، محل